تاریخ مشروطیت ایران

شریف کاشانی، مهدی

حاج شیخ مهدی شریف کاشانی فرزند آخوند ملا جعفر نراقی‏ کاشانی است.وی بسال 1239 هجری قمری متولد شده و بیش از صد سال عمر پربرکت داشته است.

شیخ احوالات خود را به اجمال در مقدمه کتاب‏"تاریخ مشروطیت‏" نوشته است که در صفحات بعد ملاحظه خواهید فرمود.

مطلب نانوشته‏ای که آقای بامداد در شرح حال شیخ مهدی‏ آورده این است که پدرش ازلی بوده و خودش هم به ازلیها گرویده و در سال 1304 هجری قمری به قبرس رفته و با صبح ازل دیدار داشته‏ است و شرح این ملاقات را در آخر کتاب تاریخ جعفری آورده است.

شیخ مهدی صاحب تألیفات متعدد بوده که از آنها اطلاعی‏ نداریم و جامعترین اثر او همین کتاب تاریخ مشروطیت است که فعلا در کتابخانه ملک موجود است و مشحون است از مطالب مستند و جالب‏ و عکسهای نخبه و غالبا منحصر به فرد و ما به لطف آقای سهیلی‏ خوانساری یادداشتهائی از کتاب مزبور فراهم آورده‏ایم و برای ثبت‏ در تاریخ و استفاده علاقمندان از این شماره به نشر آن میپردازیم.(و)

\*\*\* حاج شیخ مهدی شریف

تاریخ مشروطیت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم‏ حمد و سپاس مر ذات پاک یزدانی را لایق و سزاست که پیکر انسانی را به حلیهء عقل‏ و دانش بیاراست و مکنونات غیبی را از پرده خفا و کتم عدم به عالم شهود آورده در لباس‏ هستی و ظهورش خواست آنکه سعی بندگان را ضایع نکند زحمات عباد را بی‏اجر نخواهد ظالمان را فرصت دهد بظلم،مظلومان را امتحان فرماید به صبر و تحمل آنکه ثواب دهد و عقاب فرماید.هر یک را باعمال خود عالم الغیب و الشهاده ذو الجلال و الاکرام و بیده کل شیئی و هو العلیم الخبیر الصلوة و السلام علی خیر خلقه و اشرف بریته خاتم الانبیاء و المرسلین صلوة الله علیه و آله اجمعین.

و بعد چنین گوید عبد فانی جانی محمد مهدی شریف کاشانی که پس از ختم جلد اول کتاب تاریخ شریف که وقایع ناگوار یک محاکمه تاریخی دنیا را در بر داشت و به ملاحظاتی‏ تعطیل شده است در این ایام که بعضی وقایع ناگوار پیش آمده و علمای اعلام بلکه خاص و عام در مقام جلوگیری از بعضی ظلمها و تعدیات دولت برآمده،نظر باینکه خداوندان‏ عقل و دانش نگارش واقعات اتفاقیه در روزگار را ممدوح شمرده‏اند که بدون کم و بیش ثبت‏ و ضبط شود تا در روزگار باقی بماند و خوانندگان از اعمال پسند و ناپسند و ممدوح و مذموم پند و عبرت گیرند شایسته دید که مجملی از شرح حال اواخر سلطنت ناصر الدین شاه‏ و اوایل مظفر الدین شاه را نگاشته و بعد داخل شرح این واقعات را در عنوان تاریخ بنگارد، لذا خدا را حاضر و شاهد گرفته که آنچه دیده و شنیده و نوشته‏اند بدون کم و بیش نگاشته‏ شود و آن مشتمل است بر یک مقدمه و چهار تذکره و پنج فصل و یک خاتمه و باالله التوکل‏ و منه التوفیق.

مقدمه:چون در موضوع تاریخ است و در عنوان مواد تاریخی است،برای انتباه‏ مطالعه‏کنندگان لازم دید که اولا اجمالی از شرح حال خود را بنگارد که این پیر شکسته‏ بال در سال 1239 برحسب اراده تقدیر در حیز وجود آمد پس از چند سالی که رو به عالم‏ رشد و تمیز نهاد به وظیفه عالم انسانیت مشغول تحصیل و تعلیم و تعلم گردید از آنجائیکه‏ همه قبیله و فامیل من از عالمان دینی بوده‏اند پیروی به نیاکان خود نموده و منقولات علما را خوش داشته به علوم دینیه اشتغال یافتم و حظی وافر بردم.در موقعی روزگار مقتدای‏ خاص و عامم کرده امام جماعت و پیشواری امت و ناصح ملت نمود.چون این مرحله را با انزوای خاطر متباین دیدم ترک آن مقام منیع نموده با اینحال در مجلس علما و محفل فضلا راهی داشتم و صحبت آنان را ذخیره می‏انگاشتم در مقالات علماء و ادباء گهی خوشه‏چین‏ و گهی خرمن‏کوب بودم زمانی نفسم از سرکشی بازماند پا در دامن حرکت کشیده به سیر و سلوکم انداخت،داخل بساط ریاضت و اهل طریقت گردیده خود را به مقامی بالاتر و والاتر از عهد شباب رسانیده در بساط محترم اهل طریقت به مرآت العرفا،ملقب و مفتخر و سرافراز شدم.چون هوای تکمیل نفس و سیر آفاق و انفس در نظر بود به مسافرت و سیاحت رخت‏ بربستم به مخاطرات دریا از بستر استراحت دچار و بدرد غربت از بالش آسایش مبتلا شدم.

سفر گزیدم و بشکست عهد فرما را -که با معاینه بیند جمال لیلا را

-به هوای ملاقات‏ مرحوم حاجی میرزا حسین شریف اخوی که در هندوستان بود کمر بستم در بندر معموره‏ بمبئی ملاقاتش کرده در آن دیار آسوده از هر خیال چند ماهی به راحت غنودم و از ملاقات برادر محظوظ شدم و بعد به مسافرت مصر و زیارت بیت الله فایز و رستگار شدم بعد از مناسک‏ حج و زیارت قبر رسول اکرم و ائمه بقیع عود به وطن مألوف خود کرده ارباب همم را انیس‏ و جلیس گشتم چنانچه در مراجعت از حج در بلده اسلامبول مرحوم حاجی شیخ محسن خان‏1 سفیر کبیر دولت علیه ایران به ملاحظه سابقه دوستی یکماهی در سفارت علیه ایران مرا مهمانداری فرموده با اغلب از پاشاها و مفتیها و قضات مرا ملاقات،اغلب جاهای دیدنی را گردش داد.در ایام توقف در...میرزا حسین مال‏فروش درویش ماده تاریخ سفر حج مرا به نظم آورده در سفارت علیه ایران تقدیم داشته قرائت نمود:

محمد مهدی آن علامه اعلم که در گیتی‏ بود از علم و فضل و زهد و خلق را جاذب‏ بسال یکهزار و سیصد و چارش پس از هجرت‏ که شد از استطاعت طاعت حق در حقش واجب‏2

الخ...

تا حال که این اجمال را می‏نگارد نود و یک مرحله از مراحل زندگانی را طی کرده‏ بر ادای شکرباری خود را مدیون میدانم که موفق به توفیقات او بوده‏ام.دوست را نیازردم‏ به دشمن سختگیری نکرده بابیگانه و خویش طریق مساوات پیمودم،عوالم زشت و زیبای‏ روزگار را کرارا حامل و متحمل گردیده در مصائب شاکر و در مشقات صابر و حمول بوده‏ام

گهی مکنت دمی نکبت مرا بود،گهی نکبت بیش از اندازه دیدم ولی...فاعتبروا یا اولی الابصار.(ادامه دارد)

(1)-حاجی شیخ محسن خان پسر شیخ کاظم تاجر بسال 1235 هجری قمری متولد شده و سالهای متمادی در وزارت خارجه خدمت کرده است و در سال 1352 که شیخ مهدی شریف‏ به اسلامبول رفته شیخ محسن خان که ملقب به معین الملک بوده سمت سفارت ایران در عثمانی‏ را داشته است.شیخ محسن خان در سال 1317 هجری قمری در گذشته است.(و)

(2)-این ماده تاریخ 9 بیت است که از نقل بقیه آن خودداری گردید..